

وَهُوَ الْيَوْمَ الَّذِي تَزِيدُ اللَّهُ فِي حَالِ مَنْ عَدَدَ فِيهِ وَوَضَعَ عَلَىٰ عِيَالِهِ وَنَفْسِهِ وَإِخْوَانِهِ وَيُعِثُّهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ. آن روز (غدیر)، روزی است که خداوند بر توشه و توان کسی که در این روز عبادت کند و نسبت به خانواده‌اش و خودش و برادران دینی‌اش بخشندگی به خرج دهد، می‌افزاید و او را از آتش (دوزخ)، آزاد می‌کند.

الاقبال،ج ۲، ص ۶۰

آیت‌الله‌ العظمی جوادی آملی در پیامی به بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی

مکتب غدیر، مکتب جهاد، مکتب ایمان، مکتب قرآن و مکتب همه انبیاء ^{علیهم‌السلام} است... روز تاریخی و بزرگ عید سعید غدیر، مانند روز عظیم بعثت بااهمیت و بی‌نظیر است. این دو روز با یکدیگر پیوند و بستگی کامل دارند. بعثت اصل، اساس و پایه انقلاب الهی، جهانی و جاودانی اسلام و روز غدیر مکمل و تداوم‌بخش آن است.

مرحوم صدرالمتألهین خود را شارح حکمت شریعت می‌داند

این مرجع تقلید در پیامی، به مراسم بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی ابراز داشتند: مرحوم صدرالمتألهین خود را شارح حکمت شریعت می‌داند و فن تفسیری قرآن و عترت ^{علیهم‌السلام} را به عهده دارد و فلسفه‌ای را ارائه کرده و می‌کند که به‌زعم خود ایشان که الحمدلله موفق شدند، مطابق شریعت است و تفکری که مطابق با شریعت نباشد، از آن به خدا پناه می‌برند.



* والی السماء کیف رفعت *
والی الجبال کیف نصبت *
والی الأرض کیف سطحت *؛
این مضمون‌ها را می‌توانند تبیین کنند، تعلیل کنند، از نظم، پی به ناظم ببرند، از حکمت، پی به حکیم ببرند، از مخلوق، پی به خالق ببرند، از مربوب، پی به رب ببرند و مانند آن و این‌گونه از امور، فقط مفهوم را ثابت می‌کنند و احیاناً اگر کسی به مقام لطیف عرفان بار یافت، شاید بعضی از اسمای الهی برای او تجلی کنند و او مشاهده کند؛ اما علت را که شخص خاص ذات اقدس الهی است، بخواهند ببینند، از هیچ‌کدام از این براهین صادر نیست. ما از معلول پی به علت می‌بریم، این جهان مخلوق است و خالقش دارد؛ اما آن خالق کیست؟ همه این نظریه‌پردازی که در آیات ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خَلَقْتَ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رَفَعْتَ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نَصَبْتَ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحْتَ﴾ آمده است، می‌گویند: وقتی نظریه‌پردازی کنید و اظهار نظر دقیق علمی کنید، پی می‌برید که زمین خالقش دارد آسمان خالقش دارد، جبال خالقش دارد و مانند آن؛ اما آن خالق کیست را ثابت نمی‌کنند؛ مثل اینکه آدم بنایی دید، می‌گوید یقیناً بنایی هست یا کتابتی دید، مکتوبی دید، لوحی دید، می‌فهمد کتابتی هست؛ اما آن کاتب کیست را نمی‌داند. از فلسفه بیش از این بر نمی‌آید که بگویند: این مخلوق، خالقش دارد، ممکن است، خالق آن هم، هزار و یک اسم داشته باشد، آن هزار و اندی اسم جوشن کبیر را هم بفهمد و طبق آنها، تفسیر بکند؛ ولی همه اینها مفهوم‌اند؛ همه امر ذهنی‌اند؛ آن شخص معین را هیچ حکمتی ثابت نمی‌کند.

بله، شخصی هست، هزار و اندی اسم هم در جوشن کبیر برای او هست؛ اما کاری که قرآن کرده است و در خلال فرمایشات حکمت متعالیه، در بحث‌های تفسیری ایشان و بحث‌های نیمه عرفانی ایشان، تا حدودی خودش را نشان داد، البته نه به آن معنای کاملش، همان آیه سوره مبارکه «اعراف» است. ذات اقدس الهی، قبل از اینکه بساط فلسفه و کلام را طرح کند، قبل از اینکه بساط استدلال‌های عقلی را طرح کند، خودش را به جهانیان نشان داد و بعد فرمود: شما و جهان و پیوند شما با جهان را من آفریدم. طرزی خود را به جهانیان نشان داد که همه شناختند، یک؛ طرزی خود را به جهانیان نشان داد که از یاد کسی نمی‌رود، دو؛ طرزی خود را به جهانیان نشان داد که به هیچ‌وجه قابل مغالطه نیست و به هیچ‌وجه بهانه‌پذیر نیست، سه و این کار، از هیچ فلسفه‌ای ساخته نیست.

در سوره مبارکه «اعراف» فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مَظْهُرَهُمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾؛ فرمود: اولین و آخرین را ذات اقدس الهی جمع کرد، این یک؛ خود را به همه اینها نشان داد، دو؛ و آنها را شاهد بر نفس خود قرار داد. بیا این شاهد در قبال بینه است یا خود بینه است. مثل اینکه کسی در برابر آینه بایستد، سر آینه را خم بکند و از آینه سؤال بکند که در درون خود چه کسی را می‌بینی، آینه می‌گوید: تو را می‌بینم! همه را شاهد بر نفس خود قرار داد و از همه سؤال کرد که من چه کسی هستم؟ من رب شما هستم یا نیستم؛ ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾؟! قالوا بلی.

این مسئله اشهاد و استشهاد و شهادت، طرزی سامان پذیرفت که در درون درون، در نهان‌خانه آنها نقش بست و

نیست؛ مگر اینکه سیال است، یک؛ سیلان و حرکت بدون پایان، لغو است، دو؛ حکیمی آفریدگار که علیم محض است و حکیم محض منزه از کار لغو و بازی‌گری است، سه. فرمود: ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعْبَينَ﴾؛ ما بازی‌گر نیستیم که موجودی بیافرینیم که در حال حرکت باشد و به مقصد نرسد.

جهان طبیعت در حرکت و سیلان است و حرکت باید به مقصد برسد و مقصد دنیا آخرت است که حسن و قبح، خیر و شر، حسن و قبیح، صلاح و فلاح و طلاح، همه در آن روز روشن می‌شود. اینها که می‌گویند: ﴿مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا﴾ اشتباه می‌کنند؛ سخن اینها یعنی فقط جهان حرکت، بی‌مقصد! این می‌شود لغو، این می‌شود بازی‌گری. فرمود: لعب و بازی در کار ما نیست. اگر جهان، سیال است و به‌تعبیر صدرالمتألهین سیلان‌ش جوهری است، حتماً به مقصد می‌رسد؛ زیرا حرکت، همان‌طوری که بدون محرک نخواهد بود، بدون مقصد هم نخواهد بود؛ وگرنه عاطل و باطل است، درحالی‌که در جهان، بطلان، لغو، لعب و بازیچه راه ندارد.

گفتند: «نموت ونحیا»، مرگ و زندگی در عالم هست و هر کدام نصیب ما شد، می‌پذیریم! جواب این است که مرگ، خودبه‌خود پدید نیامده و نمی‌آید، زندگی هم بشرح ایضاً، بلکه «خلق الموت والحیاء». مرگ عاملی دارد، زندگی عاملی دارد؛ خدا خالق زندگی و مرگ است؛ این نظم عمیق، آفریدگاری دارد. مرگ خیلی دقیق و ظریف است، زندگی خیلی دقیق و ظریف است. اینها ناظم و آفریدگاری دارند: «خلق الموت والحیاء».

اینکه گفتند: «نموت ونحیا»، این‌طور نیست که مرگ و زندگی در عالم ریخته باشد، هر کدام را بخواهید، بگیرید یا به طرف شما بیاید؛ فرمود: «یحیی ویمیت»؛^۱ درست است حیات و مرگ هست؛ اما احیا هم هست، اما نه هست و در تحت تدبیر ذات اقدس الهی است که «یحیی ویمیت».

این سه مطلب باطلی که در سوره مبارکه «جاثیه» از کفار نقل شده است که «وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا»، یک؛ «نموت ونحیا» دو؛ «وما یهلکنا إلا الدهر»، سه؛ هر سه را قرآن کریم پاسخ داده است و صدرالمتألهین ^{رحمته‌الله} به‌عنوان تبیین‌کننده آیات قرآن و مفسر حکمت شریعت و الهیات دینی، این اصول را خوب تبیین کرده است که جهان در حرکت است و محرک می‌خواهد، یک؛ جهان در حرکت است و هدف دارد، دو؛ بنابراین «هو الاول والاخر» ثابت می‌شود. این چنین نیست که ما فقط سیلان و حرکت را ببینیم؛ ولی محرک را نبینیم یا باور نداشته باشیم و مقصد و هدف را نبینیم یا باور نداشته باشیم.

این کارها قابل تبیین بود و انجام داد. کاری در شریعت شده است که تا حدودی قابل تبیین است؛ اما نواوری و شبیه‌سازی درباره آن راه ندارد و آن این است که حکمت: چه حکمت مشاء، چه حکمت اشراق، چه حکمت متعالیه و چه جمع بین اینها و چه عرفان، خواه عرفان نظری و خواه عرفان عملی، هرچه باشند، این کار از آنها ساخته نیست و آن کار این است که در جهان، هر برهانی که اقامه می‌شود ـ خواه به‌صورت کلام خواه به‌صورت فلسفه ـ این است که اثر، مؤثر دارد، مصنوع، صاعنی دارد، معلول، علتی دارد و این آیات قرآن را هم می‌توانند به‌خوبی تبیین کنند: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خَلَقْتَ

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد بین‌المللی علوم وحبانی‌اسراء، مراسم بزرگداشت حکیم ملاصدرای شیرازی با پیام تصویری حضرت آیت‌الله جوادی آملی در شیراز برگزار شد. متن کامل پیام معظم‌له به این مراسم، به شرح زیر است:

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم/ بسم الله الرحمن الرحیم «الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی جمیع الأنبیاء والمرسلین والاکمة الهداة المهادیین وفاطمه‌الزهراء سیده نساء العالمین بهم نتولی وعن اعدائهم ننتره الی الله». مقدم شما علما، فضلا، اساتید، بزرگواران علمی حوزه و دانشگاه و نجیبان فرهنگی را گرامی می‌داریم و از سعی بلیغ بزرگوارکنندگان این همایش و نشست، حق‌شناسی می‌کنیم واز همه بزرگوارانی که با ایراد مقال یا ارائه مقالات، بر وزن علمی این نشست و همایش افزودند و می‌افزایند، سپاسگزاریم! از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم، توفیق درایت عقلی و نقلی را به همگان مرحمت کند و از همه بزرگواران بپذیرد و پاداش دنیا و آخرت مرحمت کند! مرحوم صدرالمتألهین، خود را شارح حکمت شریعت می‌داند و فن تفسیری قرآن و عترت ^{علیهم‌السلام} را به عهده دارد و فلسفه‌ای را ارائه کرده و می‌کند که به‌زعم خود ایشان که الحمدلله موفق شدند، مطابق شریعت است و تفکری که مطابق با شریعت نباشد، از آن به خدا پناه می‌برند. ممکن است در تمام این فراز و فرودها، مصیب و مصاب باشند و گاهی هم ممکن است، کسی غفلت کند. اینکه می‌فرماید: «تَبَا لِلْفَلَسَفَةِ التَّی ... تَبَا بَرِ فِلَسَفَهِای که مطابق با شریعت نباشد و حاشا که شریعت، مطابق با علوم عقلی نباشد»، سخن خوبی است؛ اما اینکه تا چه اندازه‌ای موفق شدند، به هر حال سعی بلیغ ایشان این بود که نه بیراهه برود و نه راه کسی را ببیند.

به هر تقدیر آنچه حکیم مطلق می‌آورد، با آنچه بندگان او دارند، قابل قیاس نیست. کاری را که خدا در تبیین جهان و جهان‌شناسی و جهان‌داری و جهان‌آرایی، انجام داده است، مقدور هیچ‌کسی نیست و شرح و توسعه‌ای که انبیا و اولیاء ^{علیهم‌السلام} ارائه کرده‌اند، هم مقدور کسی نیست؛ اما سعی بلیغ حکما عموماً و صدرالمتألهین خصوصاً بر این است که به این بارگاه رفیع نزدیک شوند. تفکر جاهلی همانند تفکر برخی متفکران فعلی بود؛ در سوره مبارکه «جاثیه» حرف ملحدان را چنین نقل می‌کند: ﴿وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت ونحیا وما یهلکنا إلا الدهر﴾ و بعد فرمود: ﴿إِن هُم إِلَّا یَظُنُّونَ﴾؛ اینها در مدار گمان حرکت می‌کنند.

آنها چند قضیه دارند. یکی اینکه در دار هستی، غیر از دنیا عالم دیگری نیست و از معاد و برزخ و قیامت خبری نیست: ﴿ما هی إلا حیاتنا الدنیا﴾؛ در جریان مرگ و زندگی هم گفتند: مرگی هست، زندگی‌ای هست، گاهی مرگ به سراغ ما می‌آید، گاهی زندگی: «نموت ونحیا» و هیچ عاملی سبب فرسایش ما نیست؛ مگر خود طبیعت و گذشت روزگار که «وما یهلکنا إلا الدهر».

این سه مطلب را مادیون دیروز و امروز شعار رسمی خود داشته و دارند؛ اما مبنای قرآن کریم و اساس اسلام بر این است که «ما هی إلا حیاتنا الدنیا» درست نیست؛ بلکه دنیا، دار اول است و آخرت که از برزخ شروع می‌شود، دار دوم است. جهان، جهان حرکت است و به‌تعبیر صدرالمتألهین ^{رحمته‌الله}، این حرکت، حرکت جوهری است. حرکت بی‌هدف، لغو است؛ چیزی در جهان طبیعت



- سال بیست و یکم
- شماره ۷۵۶
- دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲
- ۱۲ صفحه ۳۰۰۰ تومان

<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div> <ul style="list-style-type: none">صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه مدیر مسئول: محمدرضا برته سردبیر: رضاعتلی عزیزی با همکاری هیأت تحریریه تلفن: ۰۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۰۳۲۹۰۰۵۳۳ • صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵ پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir امور هنری: سید امیر سجادی کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ </div>
--

<div><div><div><div><div></div></div></div></div></div>
<div> <div></div> </div>
عطر یار
مشرق زیبا
حجت‌الاسلام رحیم کارگر

قَلَم‌ها در کف و دل‌ها به سودایت

فدای غربت پنهان و پیدایت

چه بُغضِ پَرزَنینی در غم جان‌ها

که سوز و درد ما دارد تمنایت

وَ ما از روزهای بی‌تو... تنهاتر...

که بر جان می‌رسد آن هُرمِ نجوایت

شخرها، آینه‌های عاشقی سر زد...

به شوق دیدنِ خورشیدِ سیمایت

تمام عشقِ تفسیرِ سلام تو...!

بیا با آن ... نگاه پر تسلاّت!

سراغِ زندگی را از تو می‌گیرم...

تویی زیباترین تصویر یک غایت...!

در این انبوهِ تنهایی دوران‌ها

تمام عشقِ ما افتاده... بر پایت

سراپا اشتیاق و خواهشِ دل‌ها....

پر از دردی است از هجر درازایت

وَ می‌آیی تو از یک مشرق زیبا...

چه رؤیایی است با اشکی، تماشایت

این آیه سوره مبارکه «جاثیه» حرف روز است؛ برخی از متفکران غربی بالصراحه می‌گویند، جز طبیعت چیز دیگری نیست، طبیعت است که می‌میرد و می‌آورد. آیه سوره مبارکه «جاثیه» کاملاً برای طرد این سخن نارواست که «وقالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا نموت ونحیا وما یهلکنا إلا الدهر»؛ فرمود: «وما لهم بذلک من علم إِنْ هُم إِلَّا یَظُنُّونَ»؛ اینها عالم و دانشمند نیستند، سخنی عالمانه ندارند و بر اساس گمان حرف می‌زنند.

در بسیاری از موارد صدرالمتألهین در صدد این است که از راه علت، معلول‌ها را بشناساند؛ اما دست حکیم خالی است؛ یعنی درباره علت که ذات اقدس الهی است، می‌تواند سخن بگوید؛ اما بالآخره از مفهوم بیرون نیست. عارف هم با اسمای الهی سخن می‌گوید؛ اسمای الهی را ممکن است، کسی مشاهده کند؛ اما خود خدا را اول ببیند و بعد آنچه در آسمان و زمین میبیند، فیض او تلقی کند، مقدور کسی نیست.

نتیجه اینکه راه فراوانی را حکما عموماً و صدرالمتألهین ^{رحمته‌الله} خصوصاً طی کرده‌اند؛ اما صراط مستقیم که هم مستقیم است و هم نزدیک‌ترین راه است، در قرآن کریم آمده است و این راه، جز از طرف ذات اقدس الهی مقدور نیست. مهندس راه، شریعت است، صراط از شریعت است و سراج و چراغ این راه، از عقل و درایت است و حکمت حکما است که آن هم «ما یکم من نعمة فمن الله».^{۱۰} من مجدداً مقدم همه شما را گرامی می‌دارم. امیدواریم، حکمت‌ها را عموماً و حکمت صدرالمتألهین را خصوصاً، در ظل عنایت قرآن تلقی کنیم و ذات اقدس الهی، همه شهدا را، امام را، صلحا را، صدیقین را، خدمتگزاران نظام را، آنها که درگذشته‌اند، با انبیا و اولیا محشور کند و آنها که زنده‌اند، در سایه عنایت ولی‌عصر(ارواحنا فداه) حفظ کند تا این نظام اسلامی به‌برکت خون‌های پاک شهدا، به دست صاحب اصلی و اصیلش برسد!

«غفر الله لنا ولکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

- پی‌نوشت**

۱. رک. الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۸، ص ۳۳؛
۲. سوره جاثیه، آیه۲۴؛
۳. سوره دخان، آیه۳۸؛
۴. سوره ملک، آیه۲؛
۵. سوره بقره، آیه۲۵۸؛
- ۶ سوره غاشیه، آیات ۳۰، ۳۱؛
۷. سوره اعراف، آیه۱۷۲؛
۸. سوره اعراف، آیه۱۷۳؛
۹. الکافران، ج ۱، ص ۹۱؛
۱۰. سوره نحل، آیه۵۳؛

و چگونگی، «حکم درمان بیمار با عدم تمکن مالی»، «هیپنوتیزم درمانی در فقه امامیه»، «واکاوی فقهی ضمان پزشک در برداشت اعضا»، «تغییر جنسیت و مسائل فرازوی آن»، «تعیین نسب مادری نوزاد در ترمیم ژنتیکی زیگوت و تخمک»، «اکاوش فقهی در مالکیت مادر بر سلول‌های بنیادی خون بند ناف» و «واکاوی تعارض قاعده لعان با نتایج آزمایش DNA».
مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار ^{علیهم‌السلام} در پایان گفت: آخرین اثری که به‌تازگی روانه بازار نشر شده است، متعلق به گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار ^{علیهم‌السلام} است که توسط نویسنده و پژوهشگر محترم سرکار خانم یوسفی غروی با عنوان «ارزیابی گزاره دعوت مخفیانه پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم‌} با رویکرد قرآن‌بینان» در چهار بخش و هشت فصل، پاسخگوی پرسش‌ها بوده است.
گزارش: جلال خسروی

رونمایی از آثار جدید مرکز فقهی ائمه اطهار ^{علیهم‌السلام}

عربی با موضوع مقاصد الشریعه و عنوان «اطلالة علی مقاصد الشریعه» است که در درس خارج اصول‌شان در سال ۱۴۰۰ بیان شده است.

مدیر دفتر انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار ^{علیهم‌السلام} گفت: اثر ارزشمند بعدی، «فقه پوهی پزشکی» است که توسط حجج اسلام قاسمی و حامد میرزاخان گردآوری شده است. در این کتاب، متن کامل نشست‌های علمی در موضوعات فقه پزشکی، مانند تقلیح مصنوعی، واکاوی فقهی تزریق واکسن کرونا، بررسی فقهی نسب و آثار آن در باروری مصنوعی، ابعاد فقهی حقوقی مرگ مغزی، جریان مذاق شریعت در فقه پزشکی، چالش‌های اهدای جنین، چالش‌های

از آثار جدید انتشار یافته مرکز فقهی ائمه اطهار ^{علیهم‌السلام} در اردیبهشت‌ماه امسال این مرکز، رونمایی شد.

حجت‌الاسلام اکبری شاهرودی مدیر دفتر انتشارات این مرکز، با بیان این خبر، گفت: این مرکز عظیم تخصصی، با تمرکز بر محور پژوهش‌های فقهی معاصر و کاربردی، توانسته است، خدمات بزرگی به عرصه تحقیقات بنیادین و مورد نیاز نهادهای مختلف تقنینی و اجرایی ارائه دهد.

وی به معرفی اجمالی آثار تازه نشر یافته مرکز فقهی اشاره کرده و افزود: اولین اثر، تقریرات درس آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی به زبان

